

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۳ اپریل ۲۰۱۳



لگدمالی قاره سیاه با چکمه های خونین امپریالیست ها

(بخش چهارم)

چین، از غارتگران ممتاز در قاره سیاه

زمانی که حزب کمونیست چین تحت رهبری مائوتسه دون به عنوان پیشاهنگ سیاسی طبقه کارگر قدرت سیاسی را در دست داشت، روابط با کشورهای فقیر افریقا با روحیه انترناسیونالیستی صورت می گرفت. چینی ها با همین روحیه، تکنسین های خود را به افریقا می فرستادند تا با کشورهای فقیر که از استعمار رهایی یافته بودند، همکاری نمایند. تا اواسط سالهای ۱۹۷۰، چین بیش از پانزده هزار داکتر و بیش از ده هزار متخصص زراعت را به این قاره فرستاده بود و در حدود ۱۵ هزار محصل افریقائی در پوهنتون های چین درس می خواندند. حجم مبادلات میان چین و افریقا در سال ۱۹۷۷ به ۸۱۷ میلیون دالر می رسید و حزب کمونیست چین از جنبش های رهایی بخش این قاره حمایت بی دریغ می نمود.

اما با شعار دون سیائوپینگ «پولدار شدن شکوهمند است»، چین رشد اقتصادی غارتگرانه خود را آغاز کرد. در سال ۲۰۰۹ چین به بزرگترین شریک تجاری افریقا مبدل شد. تجارت چین با افریقا از چیزی نزدیک به ۱۰ میلیارد دالر در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۱۶۶.۳ میلیارد دالر در ۲۰۱۱ رسید. سرمایه گذاری مستقیم چین در این قاره از مبلغ ۱۰۰ میلیون دالر در سال ۲۰۰۳، به ۱۲ میلیارد دالر در ۲۰۱۱ افزایش یافت. و همین بود که هیلری کلنتن در سفرش به زامبیا در جون ۲۰۱۱، سرمایه گذاری چین را در افریقا استعمار جدید خواند و گفت که افریقا را استعمار جدید تهدید می کند.

Dingli Shen رئیس انستیتوت مطالعات بین المللی و مدیر مرکز مطالعات امریکائی پوهنتون فودان شانگهای در مطلبی تحت عنوان «پکن و واشنگتن، بازی ترساندن دیگری» می نویسد: «توسعه برق آسای چین، قدرت های حاکم را به وحشت انداخته و به طور جدی روابط این کشور با ایالات متحده را پیچیده می کند. واشنگتن با درپیش گرفتن تدابیری به ظاهر پیشگیرانه واکنش نشان می دهد، اما این امر می تواند تهاجمی به نظر رسیده و پکن را به سوی رفتارهای متقابلانه براند... برقراری مجدد تعادل قواء میان دو کشور دعوی عمده این دهه خواهد بود.»

چین با سرعت تمام افریقا را در چنگ می گیرد: ۶۷۴ مؤسسه دولتی چینی در قاره افریقا بخش عمده سرمایه های شان را در بخش های سودآور متمرکز کرده اند، استخراج معادن مس شامیزی در زامبیا و جست و جوی نفتی در گابون را از سر گرفته است، ۵۰۰ پروژه عملیات ساختمانی و راهسازی به طور انحصاری توسط شرکت چاینا رود ایند بریج کارپوریشن تطبیق می شود، ۴۳ مؤسسه چینی در جمع ۲۲۵ شرکت بین المللی در صف اول سرمایه گذاران بخش ساختمانی قرار دارد، بازار مخابرات اتیوپی کاملاً در اختیار چین است، اولین ماهواره نایجریائی را چین پرتاب کرده است، هشت کشور افریقائی شامل امتیاز رسمی مقصد توریستی چین شده اند، ۵۰ درصد نفت خام موگلا (واقع در جنوب سودان) به چین صادر می شود، از ۱۵ شرکت بزرگ مستقر در سودان، ۱۳ آن چینی است، ۶۰ درصد از ۴ میلیون متر مکعب تنه درختانی که هر ساله افریقا به آسیا صادر می کند تقریباً ۹۶ درصد آن به چین می رود، چین در حدود یک بر سوم نفت مورد ضرورت خود را از افریقا وارد می کند، سهم سرمایه گذاری صنعتی چین در افریقا به ۲۲ درصد و سهم سرمایه گذاری مجموعی آن به ۲۹ درصد می رسد؛ شرکت های چینی سالانه به ارزش بیش از ۵۰ میلیارد دلار قراردادهای ساختمانی در افریقا امضاء می کنند، ۲۵ درصد نفت انگولا به چین صادر می شود، چینی هائی که در ۱۲ سال گذشته به افریقا آمده اند، بیشتر از آن عده اروپائینی هستند که در ۴۰۰ سال چپاول به این قاره رفته اند و...

چین ضمن این غارت در عملیات نظامی در این قاره نیز شرکت می کند که نمونه آن شرکت در عملیات حفظ صلح در منطقه «لیبریا» تا «کنگو» است که به همین منظور در سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۵۰۰ سرباز حافظ صلح در چارچوب سازمان ملل متحد به افریقا اعزام کرد. این کشور در عین حال خواهان اعطای چوکی دایمی به یکی از کشورهای افریقائی (به خصوص نایجریا) در شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

فاجعه چپاول منابع قاره افریقا توسط چین را می توان به طور نمونه در روابط این کشور با افریقای جنوبی به خوبی دید، کشوری که در حال حاضر یکی از کشورهای نمونه تفاوت عمیق طبقاتی در جهان به شمار می رود. افریقای جنوبی که بزرگترین شریک اقتصادی چین در افریقا است و به این منظور روابط خود را در ۱۹۷۷ با تایوان قطع کرد و اینک شامل سازمان «بریکس» نیز شده است، یکی از کشورهای است که از تجارت و مراوده اقتصادی با چین ضربه خردکننده دیده است. کسر تجاری این کشور با چین در سال ۱۹۹۲ در حدود ۲۴ میلیون دلار بود، در حالی که در سال ۲۰۰۵ به ۴۰۰ میلیون دلار رسید که به درستی موازنه سنگین غارت چین را نشان می دهد.

امپریالیزم امریکا، دومین غارتگر منابع افریقا

امریکا پس از چین دومین غارتگر افریقا است. ستراتیژی امریکا در افریقا به دور دو محور می چرخد. از یک طرف دسترسی بی حد و حصر به بازارهای وسیع، منابع انرژی و ذخایر طبیعی و کوتاه کردن دست چین از منابع ذخایر طبیعی در این قاره و از طرف دیگر تأمین امنیت نظامی راه های ارتباطی به شمول راه های ارسال مواد خام از این قاره به امریکا.

در دوران جنگ سرد، افریقای جنوبی پایگاهی به امریکا داد که پنتاگون می توانست از آن طریق اقیانوس هند را از افریقا تا دیگوگارسیا کنترل کند، امتیازی که چین اکنون از طریق نزدیکی روابط با افریقای جنوبی در صدد به دست آوردن آن است، و به این منظور رقابت سرمایه گذاری و رابطه تجاری امریکا و چین با این کشور با گذشت زمان بیشتر شده می رود. هیلری کلنتن در سفرش به تاریخ ۶ اگست ۲۰۱۲ به افریقای جنوبی اعلام کرد که ایالات متحده امریکا تصمیم دارد در ۲۰ سال آینده به سرمایه گذاری بزرگ در افریقای جنوبی اقدام کند. همین اکنون موازنه تجارت میان دو کشور سالانه در حدود ۲۲ میلیارد دلار است.

با وجودی که جورج بوش در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ اعلام کرده بود که افریقا جایگاهی در اولویت های امنیت ملی امریکا ندارد، ولی همه می دانستند که چنین اعلامی دروغ شایندگی بیش نبوده و احدی باور کرده نمی توانست که این امپریالیزم خونخوار امریکا از کنار منابع غنی و وافر این قاره و موقعیت جیوپولتیک آن سرسری بگذرد، آن هم در حالتی که بحران اقتصادی این کشور را در تنگنا قرار داده بود؛ به همین خاطر به زودی اهمیت قاره افریقا در ستراتیژی امریکا آشکار شد.

والتر کانشتاینر معاون وزیر خارجه امریکا در امور افریقا پس از یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ در یکی از مناسبت ها اظهار داشت که نفت قاره سیاه در جمله منافع ملی ستراتیژیک ایالات متحده امریکا قرار گرفته است. متعاقب آن اد ریس سناتور جمهور یخواه کالیفرنیا و رئیس کمیسیون فرعی افریقا اعلام کرد که برای تأمین امنیت ملی امریکا پس از یازده سپتمبر، نفت افریقا را باید یک اولویت به شمار آورد.

و همین اولویت و «منافع ملی ستراتیژیک» باعث شد که امریکا پس از یازدهم سپتمبر به افریقا برود. Abramovici نویسنده کتاب «صخره اشغال شده» می نویسد که امریکا تحت لوای جنگ به ضد تروریزم، حضور خود را در افریقا گسترش داده است و با آگاهی از وابستگی اش به مواد خام ستراتیژیک، تعداد توافقنامه های اقتصادی و نظامی خود را با بسیاری از کشورهای افریقائی افزایش داده تا به این ترتیب امنیت ذخایر خام خود را افزایش دهد.

این گسترش روابط اقتصادی سبب شده تا شرکت های نفتی امریکا در این قاره به سرمایه گذاری های هنگفتی دست بزنند: شرکتهای امراداهس، ماراتون در سال ۲۰۰۳ بیش از ده میلیارد دلار در صنعت نفت افریقا سرمایه گذاری کردند؛ شرکت شیفرن تگزاکو در سال ۲۰۰۲ اعلام نمود که ۵ میلیارد دلار در نفت افریقا در پنج سال گذشته سرمایه گذاری کرده و در نظر دارد طی یک برنامه پنج ساله ۲۰ میلیارد دلار دیگر در صنعت نفت این قاره سرمایه گذاری کند؛ در مقابل شرکت اگزون موبیل که از رقبای سنتی شرکت شیفرن است، اعلام کرد که قصد دارد در چهار سال آینده مبلغ ۱۵ میلیارد دلار در نفت آنگولا و در برنامه ده ساله مبلغ ۲۵ میلیارد دلار در نفت این قاره سرمایه گذاری کند؛ شرکت امریکائی انادارکو در حوزه های نفتی الجزایر فعال است و روزانه حدود ۶۰۰ هزار بیرل نفت تولید می کند؛ امریکا از نایجریا که یازدهمین تولید کننده نفت جهان و عضو اوپک است، روزانه یک میلیون بیرل نفت وارد می کند؛ نایجریا پنجمین صادرکننده نفت به امریکا است و امریکا در حدود ۱۰ درصد کل واردات نفتی خود را از این کشور تأمین می کند، حدود ۴۰ درصد تولیدات نفتی انگولا به امریکا صادر می شود؛ شرکت نفتی شیفرن ۷۵ درصد کل صنعت نفت انگولا را در دست دارد؛ گابون که با تشویق امریکا در سال ۱۹۹۵ از اوپک برآمد، در حال حاضر ۴۴ درصد نفت تولید شده خود را به امریکا صادر می کند، در گینه استوائی که به نام «کویت افریقا» شهرت دارد و ذخایر نفتی آن تا ۲ میلیارد بیرل برآورده شده است، دو سوم امتیازهای نفتی به قراردادی های امریکائی داده شده است و...

مطابق تخمین شورای اطلاعات ملی امریکا، تا سال ۲۰۱۵ امریکا خواهد توانست واردات نفت خود را از منطقه افریقا از ۱۶ درصد کنونی به ۲۵ درصد برساند. حجم سهم امریکا از بازار افریقا فقط ۷.۶ درصد است، در حالی که کشورهای اتحادیه اروپا ۳۰ درصد کل بازار افریقا را در اختیار دارند.

«بهار عربی» در مصر که حسنی مبارک را از قدرت به زیر کشید و «فرعون» دیگر به نام مرسی که اخوانی و از عمال امریکاست و ظاهراً از طریق انتخابات روی کار آمد، مصر را کماکان در چنگ امریکا حفظ کرد. مصر از جمله کشورهای افریقائی است که همواره در تیررس غارتگران قرار داشته است و بیجا نیست که جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی امریکا دارد. امریکا به همین منظور سالانه ۲ میلیارد دلار به این کشور می پردازد که در حقیقت یکی از بزرگترین کشورهای دریافت کننده «کمک» های ایالات متحده به شمار می رود.

سفر هیلری کلنتن وزیر امور خارجه سابق و جان کری وزیر امور خارجه فعلی امریکا به مصر و دیدار با مرسى، این چهره کریه اخوانى، و اعلام بخشش بدهی یک میلیارد دالری مصر و اطمینان حاصل کردن از «امنیت سرمایه گذاری های امریکائی» نشان داد که امپریالیزم امریکا هنوز مصر را از خود می داند و اخوانی ها نیز منحنیث نوکران در خدمت امریکا قرار دارند، چنانچه در کشور ما نیز منافع امریکا را تأمین می کنند.

اما امریکا هرگز با این غارت در قاره سیاه بسنده نمی کند. این امپریالیزم در صدد صیانت از امپراتوری خود است و این امپراتوری فقط با غارت ملل دیگر می تواند ادامه یابد. از اینرو، شرکت سهامی امپریالیست ها که به نام «القاعده» مشهور شده است، باید به سومالی، مالی، نایجریا و سایر کشورهای افریقائی برود تا چنگال این امپریالیزم خونخوار و سایر امپریالیست های غربی را بر این قاره عمیقتر فرو ببرد، لذا امریکا، فرانسه، انگلستان، المان، کانادا، بلژیک، دنمارک و... در این قاره در هماهنگی و همکاری با هم، بم می ریزند، بمبارد می کنند و می کشند، تا این قاره را به طور مکمل در چنگ داشته باشند.